



خانه علی مسیو خانه انقلاب می‌شود

یرضا نوین در بازدید از خانه علی مسیو اظهار کرد: بررسی‌های لازم برای آغاز مراحل مرمت و بازسازی این خانه تاریخی انجام شده و به زودی کار مرمت این خانه از سوی شهرداری آغاز خواهد شد.

شهردار تبریز از برنامه‌ریزی شهرداری این شهر برای مرمت و بازسازی خانه "علی مسیو" از رهبران انقلاب مشروطه و تبدیل آن به "خانه انقلاب" خبر داد.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز به نقل از روابط عمومی شهرداری تبریز، علیرضا نوین در بازدید از خانه "علی مسیو" اظهار کرد: بررسی‌های لازم برای آغاز مراحل مرمت و بازسازی این خانه تاریخی انجام شده و به زودی کار مرمت این خانه از سوی شهرداری آغاز خواهد شد.

شهردار تبریز در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر اینکه کار مرمت خانه علی مسیو به زودی و همزمان با دهه فجر امسال از سوی شهرداری آغاز خواهد شد، خاطرنشان کرد: خانه "علی مسیو" پس از اتمام مراحل بازسازی و مرمت، به نام خانه انقلاب نامگذاری خواهد شد.

وی در عین حال تلاش برای تملک، مرمت، حفظ و احیای خانه‌های قدیمی تبریز به عنوان بخشی از هویت تاریخی این شهر را از جمله برنامه‌های شهرداری طی سال‌های گذشته و نیز سال‌های آتی اعلام کرد.

"علی مسیو" یکی از شخصیت‌های برجسته و مشهور نهضت مشروطه در آذربایجان بوده و این خانه منسوب به وی که یکی از بنیانگذاران دسته مجاهدان تبریز و از رهبران آنان بوده، است.

خبرگزاری فارس در پانزدهم مهر 88 در گزارشی تحت عنوان "تخریب خانه مغز متفکر مشروطه در تبریز" نسبت به تخریب این خانه قدیمی و شخصیت برجسته مشروطیت هشدار داده بود.

در بخشی از این گزارش آمده بود، خانه علی مسیو در سال 1382 به شماره 9411 به ثبت ملی رسیده است.

"علی مسیو" یکی از بنیانگذاران دسته مجاهدان تبریز و از رهبران ایشان بوده و همیشه در سختی‌ها پای مردانگی پیش گذارده و گره از کارها می‌گشود.

در تابستان 1287 هجری شمسی که رحیم‌خان به تبریز آمد، علی مسیو چون خانه‌اش در زیر پای سواران وی بود از آنجا بیرون آمده و به محله امیرخیز نزد ستارخان رفت، رحیم‌خان خانه وی را به تاراج برد، پسر بزرگ علی مسیو حاجی خان نیز یکی از سردستانان مجاهدان مشروطه بوده که در جنگ روس از پیشگامان بود و از این رو در این جنگ در غیاب وی و پدرش علی مسیو که در آن زمان درگذشته بود، دو پسر نوجوان علی مسیو به نام‌های حسن و قدیر مورد غضب روس‌ها قرار گرفته و اعدام شدند.

* مشخصات فنی بنا

خانه شامل دو حیاط با اتاق‌های جانبی در سه وجه حیاط اندرونی و در دو وجه حیاط بیرونی است. این دو حیاط به وسیله یک ورودی به هم ارتباط دارند و حیاط اندرونی با دو پله اختلاف سطح نسبت به حیاط بیرونی در ارتفاع بالاتری قرار گرفته است.

بنا شامل دو طبقه بوده و از زیرزمین ضلع غربی به عنوان ورودی خانه همسایه استفاده می‌شود که پلان نامتقارنی دارد.

* نوع مالکیت بنا

مالکیت بنا شخصی است.

* قدمت بنا

قاجاریه

* نوع بهره‌برداری و خصوصیات بارز بنا

بنا در حال حاضر مسکونی است. از خصوصیات بارز بنا ارتباط بین حیاط‌های اندرونی و بیرونی است که فقط توسط یک دیوار از هم جدا شده‌اند، در حالی که در اکثر خانه‌های قدیمی مابین حیاط اندرونی و بیرونی یک فضای معماری وجود دارد.

* تزئینات به کار رفته و نوع آن

-تزئینات گچی بالای پنجره‌ها که به شکل گل و چهره انسان است.

- وجود سنتوری آجری در بالای پنجره‌ها.

- ترکیب گچ و آجر در نما.

* زندگی‌نامه

کربلایی علی مسیو، فرزند حاج محمد باقر تبریزی است که در شهر تبریز به دنیا آمد و رشد کرد، وی در محله نوبر تبریز زندگی می‌کرد.

علی مسیو یکی از برجسته‌ترین انقلابیون ایران در 100 سال گذشته است، مبارز و متفکری خردمند و فداکار که به حق پیشوای گمنام انقلاب مشروطه به شمار می‌آید.

درباره زندگی علی مسیو کم‌ترین اطلاعات نسبت به دیگر چهره‌های تاریخی وجود دارد. وی تنها فرزند خانواده‌ای با فرهنگ بود و پدرش به شغل بازرگانی اشتغال داشت، علی مسیو نیز مانند پدر بازرگان بود و در شهر تبریز مورد اعتماد شدید مردم و از احترام برخوردار بود.

وی در عین حال روشنفکری مبارز و مطلع بود، به اروپا و عثمانی سفر کرده بود و به زبان فرانسه تسلط داشت، مسافرت‌های متعدد وی به اتریش، قفقاز و استانبول، تماس با جهان نوین را برایش به ارمغان آورده بود، در تبریز کارخانه چینی‌سازی دایر کرد و سعی در توسعه صنعت داشت.

علی مسیو در سفرهای خود به قفقاز به ویژه در گرجستان، ماه‌ها در تفلیس می‌ماند تا با انقلابیون به تشریک مساعی و مشورت بپردازد.

درباره شخصیت وی چنین نوشته شده است «علی مسیو مرد پولادینی بوده و اعصاب وی از هیچ پیش آمد متأثر نمی‌شد، نام کمیته حزب اجتماعیون عامیون را مرکز غیبی گذاشته بود تا کسی به آسانی دسترسی نداشته باشد، در سال‌های نخست (برقراری مشروطه و قیام تبریز) امنیت شهر را دسته‌های مجاهدان بر عهده گرفته بودند و شبی نبود که دسته‌های مجاهدان با فراش‌های قلعه بیگی‌ها تصادف‌های خونین نداشته باشند، معهذا وصول این قبیل اخبار ابد او را ناراحت نمی‌کرد... علی مسیو نه از تهدید می‌ترسید و نه تطمیع او را رام می‌کرد، شبی نبود که چندان واقعه خونین اتفاق نیفتد و برای حل این موضوع، نصف شب، در منزل وی را نکوبند، وی خواب نداشت و بی‌وقفه معضلات را حل می‌کرد...«

این توصیف روحیات و عملکرد و اعتقادات مبارز فداکاری است که در رویدادهای انقلاب مشروطیت به ویژه مرحله دوم آن نقش بی‌بدیل و اساسی ایفا کرد.

زنده‌یاد احمد کسروی در ارزیابی انقلاب مشروطه و درباره مرحله دوم آن که اندیشه‌های دموکراتیسم بر لیبرالیسم غلبه می‌یابد، می‌نویسد: «مرحله دوم انقلاب که در آن دموکراتیسم نقش برجسته‌ای داشت... در تبریز دسته‌های فدایی پدید شد و کسانی مانند ستارخان و باقرخان... بر راس این دسته‌ها قرار داشتند، وی (ستارخان) در ایام مشروطیت عضو انجمن حقیقت کوی امیرخیز تبریز بود و این انجمن که در آن عناصر رادیکال و دارای تمایلات سوسیال دموکراسی انقلابی شرکت داشتند، این مرد دلاور و ساده خلقی را چنان مجذوب آرمان‌های انقلابی ساخت که بر تمام بقیه زندگی وی مهر و نشان خود را گذاشت ... در پیدایش و بسط پایداری تبریز و آذربایجان، سوسیال دموکرات‌های قفقاز و سازمان همت در باکو، نقش بزرگی خواه از جهت تعلیم سیاسی و تئوریک، خواه از جهت رساندن اسلحه و خواه از جهت اعزام داوطلبان رزمجو ایفا کردند.« و می‌دانیم که مرکز غیبی به رهبری علی مسیو هسته اصلی ارتباط با سوسیال دموکراسی بود.

در تمام منابع تاریخی قید شده که مرکز غیبی به شدت اصول کار پنهانی را رعایت می‌کرد، در این باره از جمله آمده است که مرکز فعالیت اجتماعیون - عامیون ناشناخته و کاملاً مخفی بود به طوریکه نام آن را مرکز غیبی می‌گفتند.

مرکز غیبی به رهبری علی مسیو، جلسات و برنامه‌هایی را در راستای انجام آموزش و تعلیمات مهم تدارک می‌دیدند، پس از مرکز، مسئولان حوزه‌ها بودند که هر یک هفت تا ۱۱ نفر تحت مسئولیت در هر حوزه داشتند، این اعضا مدت مدیدی جز در تاریکی (برای اینکه شناخته نشوند) با یکدیگر روبه‌رو نمی‌شدند، هر هفت یا ۱۱ نفر دستور حزبی را از مسئول همان حوزه دریافت می‌کردند، خطرناک‌ترین دستورات کمیته مرکزی بدون جزیی تخلف به موقع اجرا گذارده می‌شد.

ارتجاع شامل دربار، فئودال‌ها و روحانیونی که از سفره فئودال‌ها تغذیه می‌کردند، اعضای اجتماعیون - عامیون را، بی‌دین، منکر خدا، طبیعیون (ماتریالیست) و بابی می‌نامیدند و به این وسیله قتل آنها را مجاز می‌شمردند. در تبریز به لحاظ رویارویی عریان انقلاب و ضد انقلاب این امر به وضوح دیده می‌شد، گزمه‌های دولتی، فراش‌های محلات که توسط فئودال‌ها و روحانیون وابسته به آن حمایت می‌شدند، دستور اکید داشتند اعضای حزب به ویژه اعضای مرکز غیبی را دستگیر، شکنجه و اعدام کنند.